

همکاری ایران و عراق در بهره‌برداری از میادین  
مشترک بین دو کشور (بخش اول)  
۱. یکپارچه‌سازی راهکار برون‌رفت از بازی با حاصل جمع صفر در  
میادین مشترک هیدروکربوری

معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی  
دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن

کد موضوعی: ۳۱۰  
شماره مسلسل: ۱۶۸۹۷  
بهمن‌ماه ۱۳۹۸

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. یکپارچه‌سازی چیست؟
۴	۲. تاریخچه و فلسفه قراردادهای یکپارچه‌سازی
۵	۳. یکپارچه‌سازی میادین مشترک؛ تبدیل بازی با حاصل جمع صفر به بازی برد - برد
۵	۳-۱. اقتصادی
۶	۳-۲. سیاسی
۶	۳-۳. امنیتی
۷	۴. قوانین بین‌المللی در مورد یکپارچه‌سازی
۱۰	۵. تجارب یکپارچه‌سازی در دنیا
۱۱	۵-۱. مورد دریای شمال
۱۴	۵-۲. قرارداد سان‌رایز و تروبادور
۱۵	۵-۳. سایر موارد یکپارچه‌سازی دریایی
۱۶	۶. قرارداد پیش یکپارچه‌سازی
۱۷	۷. انواع مدل‌های اجرایی قرارداد یکپارچه‌سازی
۱۸	۸. محدودیت‌های به‌کارگیری قراردادهای یکپارچه‌سازی
۱۸	نتیجه‌گیری
۲۰	منابع و مآخذ



همکاری ایران و عراق در بهره‌برداری از میادین مشترک بین  
دو کشور (بخش اول)  
۱. یکپارچه‌سازی راهکار برون‌رفت از بازی با حاصل جمع صفر  
در میادین مشترک هیدروکربوری

چکیده

قرارداد یکپارچه‌سازی رویکردی است که در جامعه بین‌المللی برای همکاری در توسعه میدان‌های مشترک بین دو یا چند کشور استفاده می‌شود. این نوع قراردادها که در دنیا به صورت مکرر مورد استفاده قرار گرفته، برای توسعه میادین مشترک بین ایران و کشورهای همسایه به خصوص عراق راهکار مناسب به نظر می‌رسد.

در این گزارش قرارداد یکپارچه‌سازی به عنوان روشی برای همکاری در میادین مشترک با همسایگان معرفی و جوانب گوناگون آنها براساس تجربه کشورهای مختلف بررسی شده و نتیجه‌گیری شده است که در بحث میادین مشترک، اگر مینا بر بهبود ضریب بازیافت و کاهش هزینه‌های توسعه و در کل افزایش صرفه اقتصادی این میادین باشد، روشی بهتر از توسعه مشترک میادین و یکپارچه‌سازی آنها وجود ندارد. بدیهی است در مورد استفاده از این نوع قراردادها برای توسعه میادین مشترک با کشورهای همسایه، محدودیت‌ها و الزامات متعددی وجود خواهد داشت. به دلیل اینکه تعیین اکثر بندهای قرارداد یکپارچه‌سازی به مسائل فنی میدان بستگی دارد از این رو عدم تقارن اطلاعات بین طرفین یکی از محدودیت‌های مذاکرات خواهد بود. شرایط سیاسی، وضعیت تولید در میادین مختلف و عدم اجماع نهادهای ذی‌نفع در هر یک از کشورها، نمونه‌هایی دیگر از محدودیت‌های موجود در مذاکرات قرارداد یکپارچه‌سازی است. یکی از الزاماتی که باید برای رسیدن به نتیجه وجود داشته باشد، وجود اراده سیاسی کشورها برای همکاری در توسعه میادین مشترک است.

با توجه به نمونه‌های اجرایی قراردادهای یکپارچه‌سازی: ۱. انتخاب مناسب‌ترین مدل اجرایی قرارداد، ۲. چگونگی تعیین سهم کشورها از عواید حاصل از همکاری، ۳. سازوکار باز تعیین سهم‌ها، ۴. چگونگی تعیین گستردگی جغرافیایی میدان مشترک و ۵. انتخاب حامل‌های انرژی برای یکپارچه‌سازی از موارد مهمی هستند که باید در انعقاد این نوع قرارداد مورد توجه قرار گیرند.

## مقدمه

در بحث همکاری در توسعه میادین هیدروکربوری مشترک با کشورهای همسایه، مسائل متعددی مانند ضرورت همکاری، نوع و اندازه میادین منتخب برای همکاری، شرایط همکاری، چگونگی تقسیم عواید، حاکمیت میادین مشترک در صورت همکاری و غیره وجود دارند. وجود دو دیدگاه مختلف در مورد این مسائل بین مسئولان باعث شده است که در مورد همکاری کشورها در این میادین، توافق جامعی صورت نگیرد.

دیدگاه اول بیان می‌دارد که همکاری با کشورهای همسایه در توسعه میادین هیدروکربوری مشترک در شرایط موجود ایران به دلایل اقتصادی، سیاسی و امنیتی یک ضرورت محسوب می‌شود و در صورت همکاری در این میادین کشورهای درگیر می‌توانند مسائل عمومی و فنی مربوط به آن را با استفاده از روش‌های بین‌المللی موجود حل و فصل کنند.

اما صاحبان دیدگاه دوم بر این باورند که همکاری در میادین مشترک با همسایگان، کشور را بیشتر وابسته کرده و امنیت ملی و حاکمیت ایران نسبت به این میادین را به مخاطره می‌اندازد. همچنین در طولانی‌مدت باعث افزایش تنش بین دو کشور شده و کاهش صرفه اقتصادی میادین مشترک را در پی خواهد داشت.

این میان در جامعه جهانی چارچوب‌هایی برای این نوع همکاری‌ها وجود دارند که کشورهای متعددی مانند نروژ و انگلیس، نیجریه و گینه استوایی و غیره با استفاده از آنها مسائل مربوط به میادین مشترک خود را حل و فصل کرده و نسبت به توسعه مشترک این میادین اقدام کرده‌اند.

در این گزارش به منظور آشنایی با روش همکاری در توسعه منابع هیدروکربوری مشترک بین همسایگان، قرارداد یکپارچه‌سازی معرفی شده و جوانب مختلف آن برای ابهام‌زدایی در مسائل مختلف به طور مختصر با توجه به موارد اجرایی در جامعه بین‌المللی بررسی شده است. به همین منظور در ابتدا این قراردادها از نظر کارکردی و حقوقی تعریف و سپس در بخش دوم تاریخچه و فلسفه توسعه آنها بیان شده است.

در ادامه اهمیت همکاری در توسعه میادین مشترک مخصوصاً با کشور عراق شمرده شده و از منظر حقوقی نیز، جایگاه این رویه‌های همکاری در قوانین بین‌المللی توضیح داده شده است. پس از آن برای آشنایی و توضیح بیشتر این رویکرد به موارد اجرایی در دنیا اشاره شده و مختصری از آنها تشریح و در نهایت چارچوب این قراردادهای همکاری و مدل‌های اجرایی آن با توجه به این موارد استخراج شده است.



گفتنی است گزارش حاضر بخش اول گزارش تکمیلی در مورد همکاری با عراق در توسعه میدان‌های مشترک بین دو کشور است که صرفاً هدف آن معرفی روش همکاری است در بخش دوم گزارش به جزئیات روش همکاری با عراق در میادین مشترک با این کشور پرداخته خواهد شد.

### ۱. یکپارچه‌سازی چیست؟

در بهره‌برداری از میادین مشترک فرامرزی، دو رویکرد در مقابل کشورها مالک میادین وجود دارد اول اینکه هریک از کشورها به صورت جداگانه نسبت به توسعه میدان مشترک و بهره‌برداری از آن اقدام کنند و رویکرد دوم اینکه کشورهایی که میدان مشترک در اراضی آنها قرار گرفته است در بهره‌برداری از این میادین همکاری کنند و به صورت مشترک آن را توسعه دهند و عواید حاصل از آن را نیز به نسبت سهم تعیین شده آنها تقسیم کنند. قراردادی که برای توسعه مشترک این میادین بین دو کشور انعقاد می‌شود به قرارداد یکپارچه‌سازی<sup>۱</sup> معروف است.

به عبارت دیگر یکپارچه‌سازی یک شکل تخصصی از توسعه همکاریانه است و قراردادهای یکپارچه‌سازی بین مالکانی منعقد می‌شود که منابع زیرزمینی مشترکی دارند و براساس اصول و قواعدی، بهره‌برداری بهینه از منابع یادشده توسط شریکان را تسهیل و اداره می‌کند. استفاده از قرارداد یکپارچه‌سازی، از سویی موجب رعایت عدالت میان مالکان شده از سوی دیگر، به دلیل استفاده بهینه از منابع، موجب ارتقای عمر منبع می‌شود.

انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی اصطلاح یکپارچه‌سازی را به این صورت تعریف کرده است: «یکپارچه‌سازی عبارت است از عملیات مشترک و هماهنگی که توسط مالکان دارایی، در قطعات مجزایی که مخزن مشترک نفت یا گاز در زیر آن قرار دارد، انجام می‌شود». از این رو، یکپارچه‌سازی راهکار همکاری مشترک در میادین مشترک است به طوری که به موجب آن ذخایر نفت و گاز یک منبع که چندین مالک دارد، به وسیله یک توافق واحد پوشش داده شده و با منبع مذکور به عنوان یک واحد مستقل رفتار می‌شود.<sup>۲</sup>

1. Unitization Agreement

2. G. Gordon, J. Paterson, E. Usenmez, Oil and Gas Law: Current Practice and Emerging Trends, Dundee: Dundee University Press, 2011.

## ۲. تاریخچه و فلسفه قراردادهای یکپارچه‌سازی

قراردادهای یکپارچه‌سازی اولین بار در ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار گرفت و پس از آن دیگر کشورها مانند انگلستان، فرانسه، استرالیا و غیره نیز از آن استفاده کردند. در واقع بعد از تحریم نفتی سال ۱۹۷۳ و افزایش قیمت نفت که موجب شد اکتشاف و تولید نفت در کشورهای واردکننده نفت خام افزایش یابد، بهره‌برداری از منابع نفتی بین کشورهای مختلف، از طریق همکاری به جای رقابت، مطلوب به نظر رسید. به همین جهت مدل همکاری یکپارچه‌سازی که بیشتر راه‌حل داخلی آمریکا بود به دیگر کشورها نیز گسترش پیدا کرد.<sup>۱</sup>

قبل از توسعه قراردادهای یکپارچه‌سازی در داخل آمریکا، بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری براساس قاعده حیزت<sup>۲</sup> صورت می‌گرفت و مالکان میادین نفتی و گازی، به صورت جداگانه با حداکثر توان خود چاه‌های متعددی در میدان حفر و نفت و گاز آن را برداشت می‌کردند. این نوع از توسعه میدان و بهره‌برداری باعث رقابت شدید مالکان میدان می‌شد و در بلندمدت به ذخایر نفت و گاز آسیب‌زده و موجب بهره‌برداری غیربهبینه از میدان می‌شد و در مواردی اختلافات شدیدی بین مالکان میادین مشترک بروز می‌کرد این عوامل باعث شد استفاده از این قراردادها برای توسعه میادین مشترک در داخل آمریکا و به دنبال آن در کشورهایی مانند چین، انگلیس، مصر، عراق و غیره رواج پیدا کند.<sup>۳</sup>

در میادین مشترک فرامرزی اما مسئله همکاری مشترک، مهم‌تر و ضروری‌تر است به دلیل اینکه میادین هیدروکربوری مشترک بین دو کشور معمولاً ابعاد و ذخایر بزرگ‌تری نسبت به میادین‌های مشترک داخلی دارند و اگر کشورها به صورت جداگانه نسبت به برداشت از آنها اقدام کنند آسیب به این میادین چندین برابر خواهد بود زیرا توانایی یک کشور در بهره‌برداری از میدان به مراتب بیشتر از یک شرکت خواهد بود و در این صورت برداشت از میدان غیرصیانتی‌تر خواهد بود.

از این رو، کشورهای متعددی با استفاده از قراردادهای یکپارچه‌سازی میادین مشترک فرامرزی خود را توسعه دادند که در بخش‌های بعدی به آنها اشاره می‌شود. حتی کشورهایی مانند انگلیس و نروژ در هنگام تعیین مرزهای خود، وجود منابع هیدروکربوری روی مرز را پیش‌بینی و بیان کردند که در صورت اکتشاف منابع مشترک، برای جلوگیری از بروز اختلافات احتمالی، دو کشور ملزم هستند که آن میادین را با استفاده از قراردادهای یکپارچه‌سازی توسعه دهند.

هر همکاری مشترک مرزی در دو سطح مورد توافق قرار می‌گیرد: ۱. توافق بین حاکمیت شرکت‌کننده در همکاری و ۲. توافق بین شرکت‌های عملیاتی معرفی شده توسط کشورها (توافقنامه

۱. جواد کاشانی، منابع مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹.

2. The Rule of Capture

۲. زهرا کیمیایی نالکیاشوری، سید محمد مهدی قبولی درفشان و سعید محسنی، «قرارداد یکپارچه‌سازی در خصوص منابع مشترک نفت و گاز (مفهوم و ماهیت)»، ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۴۱، ص ۹۵، ۲۳-۴۰.



عملیاتی واحد). هدف اولین توافقنامه، تنظیم حقوق و تعهدهای هر حکومت در خصوص توسعه صحیح و روش‌های همکاری است که برای به حداقل رسیدن درگیری‌ها، لازم است.<sup>۱</sup> علاوه بر آن، در توافق بین حاکمیت‌ها، مانند دیگر قراردادهای معمول، بخشی به‌عنوان راه‌حل اختلافات احتمالی آورده می‌شود و اگر کشورها در ادامه همکاری احیاناً به اختلافی برخورد کردند با آن روش‌ها بتوانند اختلاف‌های خود را حل کرده و همکاری را ادامه دهند.

با امضای قرارداد یکپارچه‌سازی حقوق مربوط به نفت و گاز هر مخزن همچنان به مالکان و صاحبان آن تعلق دارد و جز با تراضی این حقوق را نمی‌توان منتقل کرد.<sup>۲</sup>

اگر قبل از انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی، قراردادهای دیگری در زمینه برداشت نفت و گاز از منابع مشترک بسته شده باشد در این صورت قراردادهای سابق به قوت خود باقی خواهند ماند و تأثیرات خود را بر جای خواهد گذاشت. در نتیجه، این قرارداد سبب خدشه به قراردادهای سابق نخواهد بود.<sup>۳</sup>

بنابراین درحقیقت فلسفه توسعه قراردادهای یکپارچه‌سازی کاهش تنش بین مالکان میادین مشترک و جلوگیری از مسائلی است که باعث می‌شود میدان به‌صورت غیربهبینه توسعه داده شود به صورتی که مالکان میدان مشترک تحت این قراردادها، در برداشت از میادین با یکدیگر همکاری می‌کنند بنابراین برداشت از میادین به‌صورت صیانتی انجام می‌شود و هزینه‌های توسعه میدان نیز کاهش پیدا می‌کند.

### ۳. یکپارچه‌سازی میادین مشترک؛ تبدیل بازی با حاصل جمع صفر به بازی برد - برد

یکپارچه‌سازی میادین مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه همواره از اهمیت‌های همه‌جانبه برخوردار است و میادین مشترک با عراق نیز از این قاعده مستثنا نیستند لذا اهمیت‌های مورد نظر در سه بخش اهمیت اقتصادی، سیاسی و امنیتی در ادامه آورده شده است.

#### ۳-۱. اقتصادی

تجربه‌های همکاری کشورهای شریک در میادین مشترک نشان می‌دهد که بنا به سطح همکاری طرفین و اینکه همکاری در چه مرحله‌ای از توسعه میدان آغاز شود هزینه‌های توسعه و بهره‌برداری به‌دلیل تجمیع فعالیت‌ها و رفع دوباره‌کاری‌ها بسیار کاهش می‌یابد. درحالی‌که هزینه‌های توسعه میادین مشترک ایران با عراق میلیاردها دلار برآورد می‌شود رقم صرفه‌جویی قابل توجه خواهد بود.

1. J. Wilkinson, "Introduction to Oil and Gas Joint Ventures," 1997, number 51

2. J. Lowe, O. Anderson, E. Smith, D. Pierce, C. Kulander و M. Ehrman, Cases and Materials on Oil and Gas Law, New York: West Academic Publishing, 2018 .

3. Anozie, Unitization of Contract Areas, Dundee: University of Dundee, 2009.

بهبود شدن عملیات اجرایی توسعه میدان از تخریب یا تغییر غیرضروری در محیط مورد بهره‌برداری جلوگیری می‌کند. این مهم خصوصاً هنگامی که محل بهره‌برداری از نظر ارزش زمین یا مسائل زیست‌محیطی ارزش زیادی دارد توجه بیشتری جلب می‌کند. برای مثال می‌توان به بهره‌برداری در دریا یا بهره‌برداری از میدان مشترک آزادگان بین ایران و عراق در منطقه هورالعظیم که عواقب زیست‌محیطی جدی در پی دارد، اشاره کرد.

مهاجرت سیال از مرزهای کشور یکی از نگرانی‌های عمده وزارت نفت است. در این خصوص باید گفت در مدل‌های همکاری یا برای جلوگیری از مهاجرت سیال چاره‌اندیشی شده است یا این نگرانی به‌طور کلی موضوعیت خود را از دست می‌دهد. تولید صیانتی از مخازن نفتی، بهبود ضریب بازیافت<sup>۱</sup> و کنترل آسیب‌ها به مخزن (مورد تأکید در ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی) نیازمند همکاری شرکا در زمینه توسعه و مدیریت میادین مشترک است.

بنابراین می‌توان فواید اقتصادی یکپارچه‌سازی میادین مشترک را به‌صورت زیر خلاصه کرد:

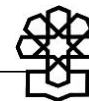
- افزایش صرفه اقتصادی برداشت از میادین مشترک،
- افزایش ضریب بازیافت میدان و تولید صیانتی از آن،
- کاهش هزینه‌های توسعه و بهره‌برداری به دلیل تجمیع فعالیت‌ها و رفع دوباره‌کاری‌ها،
- جلوگیری از تخریب میدان و کنترل آسیب‌ها به مخزن،
- جلوگیری از ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی بیشتر.

### ۲-۳. سیاسی

همکاری در میدان‌های مشترک نمودی از بهبود تصویر سیاسی کشور در منطقه و جهان است و کشور را به‌عنوان کشوری صلح‌دوست و ملتی بالغ که توان حل اختلافات با همسایگان از طریق گفتگو و جلب همکاری دارد معرفی می‌کند و افزایش اعتبار سیاسی کشور زمینه‌ساز تسریع توسعه اقتصادی است. همکاری در روابط بین کشورها معمولاً زمینه‌ساز همکاری‌های تازه می‌شود. همکاری با خود همکاری تازه و گسترش روابط می‌آورد. همکاری بر سر میادین مشترک فرصتی برای توسعه همکاری‌ها خصوصاً در بخش انرژی بین همسایگان ایجاد می‌کند.

### ۳-۳. امنیتی

اختلاف‌ها در مورد میادین مشترک همواره زمینه‌ساز تنش و بعضاً درگیری نظامی بین همسایگان بوده است. در مورد میادین مشترک ایران و عراق، در موقعیت فعلی و پس از گشایش‌های اقتصادی که



فعالیت‌های عراق در مرزها سرعت خواهد گرفت احتمال ایجاد تنش‌ها بیشتر می‌شود. همکاری در میادین مشترک خطر تنش در مرزها را از بین می‌برد و به صلح جهانی کمک می‌کند.

الگوهای همکاری گسترده بین شرکا به بهبود امنیت انرژی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از خطر تحریم‌های بین‌المللی نیز کمک‌رسان است. مدیریت یکپارچه میادین مشترک اگر شامل مدیریت بازاریابی واحد نیز شود هم از ورود نفت یکسان توسط چند فروشنده به بازار که مخل بازاریابی است جلوگیری می‌کند و هم اعمال تحریم‌ها حداقل در مورد فروش نفت موضوع همکاری را دشوار می‌کند.

#### ۴. قوانین بین‌المللی در مورد یکپارچه‌سازی

ادبیات حقوقی در میادین مشترک به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود. ایده اصلی برای تقسیم قواعد حقوقی براساس سیالیت و مهاجرت نفت و گاز است که برای بیان آن از اصول بنیادی حاکمیت سرزمینی استفاده می‌شود.

۱. در حالت اول از قاعده حقوقی «prior appropriation» استفاده می‌شود؛ به این مفهوم که اولویت بهره‌برداری با طرفی است که زودتر اقدام کند. در قواعد داخلی ایالات متحده، از آن به‌عنوان «قاعده حیات» یاد می‌شود. در نتیجه این قاعده، حفاری رقابتی با اتلاف منابع مالی و فیزیکی همراه است.

۲. حالت دوم، قاعده حاکمیت بر منابع زیرزمینی است. این قاعده توسط جوای آندراسی طراحی و ارائه شد. در نبود تفاهمنامه‌ای برای همکاری یا تولید مشترک از میادین مشترک بین کشورها، این قاعده برای توسعه این میادین استفاده می‌شود. براساس این قاعده، برای جلوگیری از مشکلات و تلفاتی که در نتیجه حفاری رقابتی ایجاد می‌شود، قواعد خاصی در رابطه با این میادین مشترک باید توسعه داده شود.

۳. حالت سوم، همکاری در مقابل حفاری رقابتی است. از نظر برخی از حقوق دانان، این مورد برخلاف قوانین بین‌المللی است. جولیو باربریس مدعی است که با رعایت اصول زیر می‌توان تحت قوانین بین‌المللی در میادین مشترک کار کرد:

- اصول حفظ تمامیت ارضی، که در نتیجه حفاری بدون مجوز در نواحی مرزی نقض می‌شود؛
  - الزام عدم خسارت مادی به کشور ثانوی؛
  - الزام تبادل اطلاعات و مشاوره با کشور ثانوی در مورد مشکلات مربوط به میادین مشترک؛ این الزام براساس قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد است.
- ویلیام اونوراتو مدعی است که قواعد همکاری برای این میادین مشترک باید به‌کار گرفته شوند. اصول اساسی این همکاری عبارتند از:
- کشورها دارای حقوق متقابل در میادین مشترک هستند؛
  - ماهیت چنین حقوقی براساس «منافع قطعی و مقرر درجا» است؛

- بهره‌برداری یکجانبه از میادین مشترک، انحراف از هنجارهای حقوقی بین‌المللی است؛
- بهره‌برداری از میادین مشترک تنها با تفاهمنامه مشترک میان کشورهای مربوط ممکن است؛
- به‌دلیل نبود قواعد حقوقی بین‌المللی حاکم بر توسعه میادین مشترک، در عمل از رویه‌های حقوقی به‌کار گرفته شده در سایر منابع مشترک با ویژگی سیالیت مشابه مانند منابع آب استفاده می‌شود؛ دو مرحله در توسعه این روش مشاهده می‌شود. در مرحله اول، این مورد بررسی می‌شود که آیا قوانین حقوقی بین‌المللی مشخصی در مورد «منابع سیال» مورد نظر وجود دارد یا نه. در مرحله دوم، تحلیل از روش قیاسی (منابع مشابه) به رویه‌های قضایی بین‌المللی نوظهور تغییر می‌کند. این رویه‌های نوظهور بین‌المللی در تفاهمنامه‌های مربوط به مرزهای آبی دارای بندهایی است که دو کشور را ملزم به همکاری در بهره‌برداری و تسهیم منافع حاصل از میدان مشترک می‌کند. این رویه که به‌صورت فراگیر و تقریباً یکسان استفاده می‌شود، می‌تواند گامی در ظهور یک قاعده حقوق بین‌الملل مرسوم شود که دولت‌ها را ملزم به همکاری در اکتشاف و بهره‌برداری از میادین مشترک می‌کند.

آیا تحت قوانین بین‌المللی مرسوم الزام قانونی برای همکاری در میادین مشترک وجود دارد؟ در صورتی که در قوانین مرسوم بین‌المللی، الزام قانونی برای همکاری در میادین مشترک وجود نداشته باشد، ضروری است منابع ثانویه حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. این قوانین شامل ابزارهای حقوقی سازمان ملل متحد مانند قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان، تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط، موارد حقوقی بین‌المللی و نظرات متخصصان حقوقی است؛ هرچند این قوانین ثانویه از اعتبار کمتری برخوردارند.

اصل عمومی همکاری بین کشورها در تقسیم منابع طبیعی، در برخی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل تصریح شده است. پس از شکست کنفرانس سازمان ملل متحد در استکهلم در سال ۱۹۷۲ با موضوع محیط زیست انسانی برای پذیرش مقررات مشابه، قطعنامه ۳۱۲۹ در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۳، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای همکاری در منابع طبیعی که بین دو یا چند کشور مشترک است، تصویب شد. این قطعنامه توجه‌ها را به‌سوی نیاز به یک «استاندارد بین‌المللی مشخص برای محافظت و استحصال هماهنگ از منابع طبیعی میان دو یا چند کشور» جلب کرد. چنین همکاری‌ای برپایه «سیستم اطلاعاتی و رایزنی‌های قبلی» توسعه یافت. پیش‌زمینه این همکاری، در ماده (۳) منشور حقوق اقتصادی و وظایف دولت‌ها در قطعنامه ۳۲۲۸ در سال ۱۹۷۴ مطرح شد که براساس آن: «در استحصال منابع طبیعی مشترک میان دو یا چند کشور، هر کشور موظف است براساس سیستم اطلاعاتی و رایزنی‌های قبلی برای دسترسی به بهره‌برداری بهینه از چنین منابعی، بدون آسیب رساندن به منافع کشور دیگر، اقدام نماید».

با وجود تأکید قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل بر همکاری در میادین مشترک، این قطعنامه‌ها به اندازه کافی الزام‌آور نیستند اما می‌توان به این شکل قطعنامه‌ها را تفسیر کرد که تمایل دارند با استفاده از اصول همکاری، جامعه بین‌المللی را برای همکاری ترغیب کنند. این الزامات عمومی



برای همکاری، در کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲ آمده است. با توجه به حقوق دریاها، «کشورهای درگیر، تحت یک روح تفاهم و همکاری، باید تمام تلاش خود را برای ورود به تدابیر مقدماتی عملی انجام دهند و در این دوران گذار، عملی انجام ندهند که توافق نهایی را تهدید نماید. چنین تدابیری باید بدون هیچگونه پیش‌داوری نسبت به نتیجه نهایی انجام شود». کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها تنها زمینه را برای تدابیر مقدماتی در رسیدن به توافق نهایی فراهم می‌کند اما با توجه به تفسیری که تاکنون دادگاه‌ها از عبارت «تمام تلاش خود» در متن بالا ارائه کرده‌اند، این عبارت صرفاً به مفهوم انجام مذاکرات بوده و منظور از آن، موفقیت مذاکرات نیست. با توجه به این وضعیت، کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها الزام قانونی برای همکاری مشترک ایجاد نمی‌کند. طبق ماده (۱۲۳) کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها، «کشورهایی که در حاشیه دریاهای بسته یا نیمه بسته واقع شده‌اند، برای به دست آوردن حقوقشان و انجام وظایف خود طبق این کنوانسیون همکاری می‌کنند». برای حفاظت و مدیریت منابع طبیعی دریایی، اصل همکاری منطقه‌ای با در نظر گرفتن دریاهای نیمه بسته می‌تواند به عنوان «توسعه تدریجی برای دستیابی به نیازمندی‌های عمومی همکاری» در نظر گرفته شود. با این وجود، فاکتورهایی در ماده (۱۲۳) وجود دارد که الزام آور بودن همکاری را کاهش می‌دهد. متن این ماده بیشتر تشویق کننده است تا الزام آور و شامل هیچ‌گونه الزام خاص نبوده و به لحاظ قانونی لازم‌الاجرا نمی‌شود. همچنین، این ماده در مورد مخازن مشترک نفت و گاز، هیچ اشاره‌ای نکرده است.

ماده (۱۴۲) کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها شامل الزامات دیگری است که در مورد وضعیت میادین مشترک بین کشورهاست. این ماده شامل «بستر دریا و اقیانوس و زمین زیرین آن، خارج از حیطه قضایی ملی» و مناطق تحت صلاحیت ملی است. این ماده دارای رهنمودهای صریح برای طرفین ذی‌نفع است. فعالیت‌های انجام شده در حوزه چنین میادین مشترکی «باید با در نظر گرفتن حقوق و منافع قانونی دولت‌های دارای قلمرو قدرت در منطقه مورد نظر صورت گیرد». این ماده نیز شامل سیستمی است که اطلاع‌رسانی و رایزنی قبلی برای پیشگیری از تجاوز به حقوق و منافع سایرین را در برمی‌گیرد. «در مواردی که فعالیت‌ها در یک منطقه مشترک ممکن است منجر به استحصال منابع تحت قلمرو قدرت کشور دیگر باشد، توافق قبلی کشورهای ساحلی ضروری است».

منافع اقتصادی دولت‌ها نیز یک دلیل قانع کننده برای همکاری در توسعه میادین مشترک گسترش یافته در مرزهای بین‌المللی است. یک دولت ممکن است به دلیل آنکه رویکرد همکاری، مانع برداشت یکجانبه دولت‌های همسایه از میادین نفت و گاز مشترک شود، به این رویکرد علاقه‌مند باشد. محرک دیگر برای یک کشور، ممکن است پایین آوردن هزینه‌های استخراج و دستیابی به بیشترین نرخ تولید باشد. کشورها همچنین ممکن است در شرایطی که همکاری، تنها راه حفظ حق حاکمیت آنها در منابع هیدروکربوری درجا باشد، علاقه‌مند به انجام این کار باشند. به‌طور کلی، دلایل و انگیزه‌های کافی برای همکاری در توسعه میادین مشترک وجود دارد.

با وجود روند جهانی استحصال میادین فرامرزی به نفع توسعه همکاری‌ها، قوانین عرفی بین‌المللی که یکپارچه‌سازی را الزام‌آور کنند، وضع نشده‌اند. با وجود رویه‌های قانونی برای همکاری تحت قوانین عرفی بین‌المللی که یکپارچه‌سازی و توسعه همکاری‌ها از جمله دستاوردهای آنها هستند، قوانین بین‌المللی کشورها را، در صورت عدم تمایل، مجبور به قبول ایده یکپارچه‌سازی نمی‌کنند.

#### جدول ۱. خلاصه قوانین بین‌المللی در مورد همکاری کشورها در میادین هیدروکربوری مشترک

ردیف	قانون	سال	موضوع	شرح
۱	قطعه‌نامه ۳۱۲۹	۱۳ دسامبر ۱۹۷۳	همکاری در منابع طبیعی مشترک بین دو یا چند کشور	نیاز به یک استاندارد بین‌المللی مشخص برای محافظت و استحصال هماهنگ از منابع طبیعی میان دو یا چند کشور برپایه سیستم اطلاعاتی و رایزنی‌های قبلی
۲	قطعه‌نامه ۳۲۲۸	۱۹۷۴	ماده (۳) منشور حقوق اقتصادی و وظایف دولت‌ها	در استحصال منابع طبیعی مشترک میان دو یا چند کشور، هر کشور موظف است براساس سیستم اطلاعاتی و رایزنی‌های قبلی برای دسترسی به بهره‌برداری بهینه از چنین منابعی، بدون آسیب رساندن به منافع کشور دیگر، اقدام کند.
۳	ماده (۱۲۳)	۱۹۸۲	کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها	کشورهایی که در حاشیه دریاهای بسته یا نیمه بسته واقع شده‌اند، برای به دست آوردن حقوقشان و انجام وظایف خود طبق این کنوانسیون همکاری می‌کنند.
۴	ماده (۱۴۲)	۱۹۸۲	کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها	این ماده شامل سیستم اطلاع‌رسانی و رایزنی قبلی برای پیشگیری از تجاوز به حقوق و منافع سایرین است. در مواردی که فعالیت‌ها در یک منطقه مشترک ممکن است منجر به استحصال منابع تحت قلمرو قدرت کشور دیگر باشد، توافق قبلی کشورهای ساحلی ضروری است.

#### ۵. تجارب یکپارچه‌سازی در دنیا

نمونه‌هایی از توافقات بین‌المللی یکپارچه‌سازی در مناطق مختلف جهان، هم در مناطق دارای مرزهای تعیین شده و هم در مناطق توسعه مشترک، مشاهده می‌شوند. توافقات یکپارچه‌سازی میان کشورها غالباً از سازوکارهای حل اختلاف که در توافقات یکپارچه‌سازی بومی (میان چند طرف در یک کشور) مورد استفاده قرار می‌گیرند، پیروی می‌کنند. روش معمول، ارجاع اکثر اختلاف‌ها، به جز اختلاف‌هایی که در زمینه‌های فنی، به داوری دادگاه است. در مورد اختلاف‌ها در مسائل فنی، مانند بازتعیین نسبت تسهیم، به نظر متخصصان مراجعه می‌شود.



## ۱-۵. مورد دریای شمال

چهار مورد از قرارداد یکپارچه‌سازی در دریای شمال انجام شده است. این قراردادها حاصل توافق دوجانبه میان انگلستان و نروژ در دهم مارس ۱۹۶۵ و میان انگلستان و هلند در ششم اکتبر ۱۹۶۵ هستند. براساس این قراردادها طرفین متعهد به همکاری در توسعه میادین مشترک شدند. در اینجا به دو قرارداد یکپارچه‌سازی انگلستان و نروژ پرداخته شده است.

در قراردادی که برای تحدید حدود بین انگلستان و نروژ در سال ۱۹۶۵ امضا شد مقرر گردید که: «اگر هر مخزن مشترکی از مرزها عبور کند، به صورتی که از سمت دیگر مرز هم قابل استحصال باشد، دو کشور ملزم هستند در همکاری با شرکت‌های بهره‌بردار به نحوی برخورد کنند که مخزن مشترک با حداکثر بازده استحصال شود».

براساس قرارداد انگلستان و نروژ، این دو کشور در سه میدان با هم همکاری کردند. مهم‌ترین مورد قرارداد همکاری بین دو کشور در زمینه نفت و گاز، از نظر حجم نفت و گاز موجود، قرارداد استتفیورد بود که از الگوی قراردادی میدان فریگ که یکی دیگر از میدان‌های مشترک بین این دو کشور بود تبعیت کرده است.

### ۱-۱-۵. قرارداد فریگ

میدان گازی فریگ<sup>۱</sup> توسط کنسرسیومی که توسط الف اکتین (شرکت نفتی فرانسوی که پس از ادغام با شرکت توتال فیما امروزه با نام توتال شناخته می‌شود) اداره می‌شد، در سال ۱۹۷۱ کشف شد. در سال ۱۹۷۸ برداشت از آن شروع و در سال ۲۰۰۴ اتمام یافت. میدان در ۱۰۰ متری زیر آب و دارای ۱۹۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی درجا بود که ۷۸ درصد آن استخراج شد.<sup>۲</sup>

در مه ۱۹۷۲ مشخص شد که مخزن از خطوط مرزی نروژ و انگلستان عبور کرده است. طبق ماده (۴) قرارداد مرزی نروژ و انگلیس، دو کشور متعهد به همکاری در میادین مشترک بودند. دولت‌های هر دو کشور، سلسله تدابیری به کار بستند تا قرارداد فریگ در ۱۰ مه ۱۹۷۶ امضا شود. براساس ماده (۲) قرارداد فریگ:

دولت‌های دو کشور باید با رویکرد رسیدن به یک تصمیم‌گیری برای تعیین حدود و تخمین کل منابع قابل استحصال از میدان فریگ و سهم هرکدام از طرفین با توجه به فلات قاره آنها با یکدیگر همکاری کنند. برای این منظور شرکت بهره‌بردار ملزم می‌شود تا پیشنهادی برای کشورها برای رسیدن به این تصمیم‌ها بدهد.

1. Frigg Field

2. F. Heritier, P. Lossel, E. Wathne, "Frigg Field—Large Submarine-Fan Trap in Lower Eocene Rocks of the Viking Graben, North Sea," Giant Oil and Gas Fields of the Decade: 1968–1978, American Association of Petroleum Geologists, 1980.

همچنین براساس این ماده:

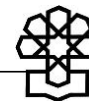
دو کشور باید تلاش خود را در جهت تسهیم گاز قابل استحصال میدان فریگ پیش از شروع تولید انجام دهند. اگر نتوانند این کار را انجام دهند، یا باید براساس یک پیشنهاد تسهیم موقت که از طرف شرکت بهره‌بردار ارائه می‌شود و یا در صورت نبود چنین پیشنهادی، موقتاً براساس سهم‌های مساوی، تولید انجام پذیرد. این تسهیم موقت باید بدون پیش‌داوری و در نظر گرفتن موقعیت هر کدام از دولت‌ها انجام شود.

شکل ۱. موقعیت میدان فریگ در دریای شمال



Source: Available: <http://www.petroleumskartet.no/>. [August 2016].

قرارداد فریگ، عواید حاصل از میدان و هزینه‌های توسعه آن را متناسب با سهم گاز تحت قلمرو هر کدام از طرفین، به آنها اختصاص داد. یک کمیسیون ویژه، برای نظارت بر همه عملیات تشکیل شد. هر کدام از دولت‌ها متعهد شدند تا شرکت بهره‌بردار خود را برای ارسال یک طرح برای حفظ مخزن فریگ برای عملیات با کارایی بالا ملزم کنند. این طرح باید مورد توافق دو دولت باشد. طرح تولید از میدان باید در زمان‌هایی کمتر از چهار سال مورد بازنگری قرار می‌گرفت و این بازنگری‌ها نیز باید به تأیید دولت‌ها می‌رسید. وظیفه ضمانت شرکت‌های بهره‌بردار هر کشور برعهده همان کشور بود. برای کاهش اثرات منفی حاصل از دو قلمرو قدرت، موافقت‌نامه فریگ بستری را برای همکاری میان دو کشور فراهم کرد تا دو کشور از استاندارد و ایمنی مشترکی برای نصب و راه‌اندازی تمامی تجهیزات بهره ببرند. در حالتی که هریک از مجوزهای بهره‌برداری به صورت کامل یا قسمتی از آن باطل شود، دولت ملزم به تضمین ادامه استحصال گاز از میدان فریگ بود. در چنین حالت‌هایی، دولت به دادن مجوز جدید برای جایگزینی مجوز به انقضا رسیده یا لغو شده نیاز داشت.



براساس مطالعات فنی، مشخص شد که ۶۰/۸ درصد ذخایر در طرف نروژ و ۳۹/۲ درصد آن در طرف انگلیس قرار گرفته است و در قرارداد یکپارچه‌سازی مربوط به این میدان، سهم‌های طرفین به همین صورت تعیین شد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۵. قرارداد استتفیورد

میدان نفتی استتفیورد در ۱۹۷۴ در دریای شمال و در آب‌های نروژ توسط شرکت نروژی موبیل<sup>۲</sup> کشف شد. این میدان در ۱۴۵ متری زیر آب قرار داشت. شروع تولید از این میدان در سال ۱۹۷۶ بود و هم اکنون نیز برداشت از این میدان ادامه دارد. کل تولید از این میدان تا سال ۲۰۱۳ برابر ۴/۷ میلیارد بشکه معادل نفت بوده است.

در سال ۱۹۷۵ معلوم شد که نفت و گاز همراه این میدان در مرز فلات قاره انگلستان و نروژ ارتباط دارند. همانند قرارداد فریگ، مقررات ماده (۴) پیمان تحدید حدود انگلستان - نروژ برای این مورد نیز قابل استفاده بود. در این زمینه، دو کشور قراردادی برای استحصال نفت و مقررات مربوط به آن را پایه‌ریزی کردند. این قرارداد در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ میان انگلستان و نروژ، تحت عنوان قرارداد استتفیورد و براساس الگوی قرارداد فریگ به امضا رسید.

ویژگی اصلی قرارداد فریگ (استحصال از مخازن به صورت یک واحد کل) در قرارداد استتفیورد هم پابرجا بود اما قرارداد استتفیورد بسیار ساده‌تر و شفاف‌تر بود. برای مثال، در قرارداد استتفیورد، اصطلاح «مخازن» به صورت دقیق‌تری (در مقایسه با قرارداد فریگ) تعریف شده بود. همچنین، زمان‌بندی در نظر گرفته شده برای بازتعیین در قرارداد استتفیورد دارای جزئیات بیشتری نسبت به زمان‌بندی قرارداد فریگ بود. افزون بر این، نیاز به یک برنامه کاری که توسط هر دو کشور تأیید شود وجود داشت. تفاوت اصلی بین این دو قرارداد در مورد قواعد حمل‌ونقل و مقاصد محصولات بود؛ در قرارداد استتفیورد، مقررات خاصی برای قواعد حمل‌ونقل و مقاصد محصولات وجود نداشت.

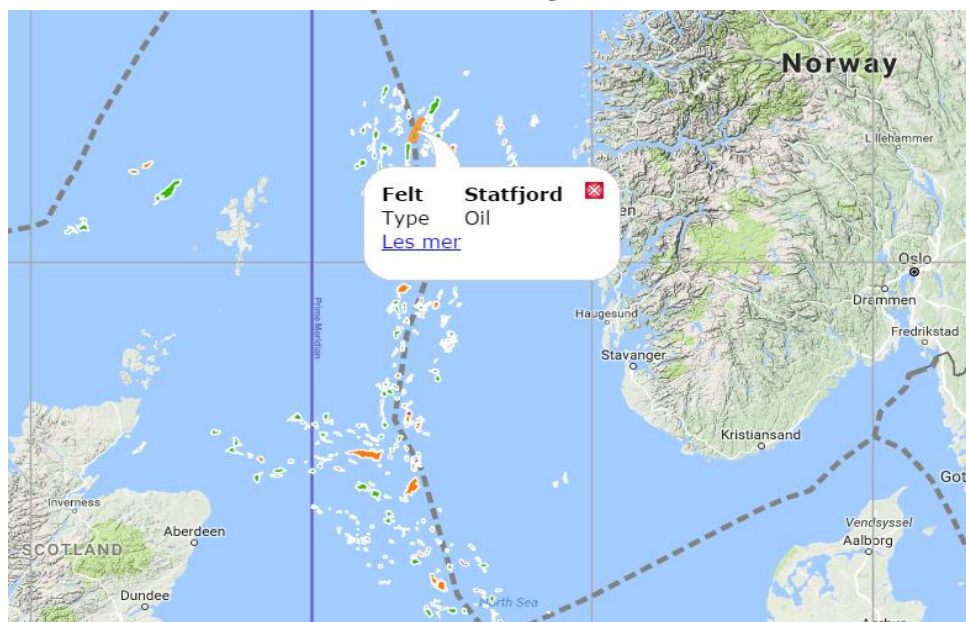
سهم کشورها در این میدان در طول سال‌های تولید از میدان متغیر بود؛ در ابتدا سهم نروژ از این میدان ۸۸/۸۸ درصد و سهم انگلیس ۱۱/۱۲ درصد تعیین شد. در سال ۱۹۷۹، طی بازبینی سهم‌ها براساس تکمیل مطالعات فنی، سهم نروژ به ۸۴/۰۹ درصد کاهش پیدا کرد و در سال ۱۹۹۴ سهم آن افزایش یافته و به ۸۵/۲۳ درصد رسید. آخرین تغییرات در سهم کشورها در سال ۱۹۹۸ اعمال شد که طی آن سهم نروژ ۸۵/۴۶ و سهم انگلیس ۱۴/۵۳ درصد تعیین شد.<sup>۳</sup>

1. offshore technology, "Frigg Field," Offshore Technology, Available: <https://www.offshore-technology.com/projects/frigg-field/>.

2. Mobil Exploration Norway

3. Offshore technology, "Statfjord Field – a Timeline," Offshore Technology, . Available: <https://www.offshore-technology.com/projects/statfjord-field-a-timeline/>

شکل ۲. موقعیت میدان استتفیورد در دریای شمال



Source: Available: <http://www.petroleskartet.no/>. [August 2016].

## ۲-۵. قرارداد سان‌رایز و تروبادور<sup>۱</sup>

میدان‌های گازی سان‌رایز و تروبادور که به‌عنوان میدان بزرگ سان‌رایز<sup>۲</sup> شناخته می‌شوند در سال ۱۹۷۴ کشف شدند. این میدان شامل ۱۴۵ میلیارد مترمکعب (۵/۱۳ تریلیون فوت مکعب) گاز طبیعی و ۲۲۵/۹ میلیون میعانات گازی هستند.<sup>۳</sup>

قرارداد بین‌المللی یکپارچه‌سازی بین دولت استرالیا و جمهوری دموکراتیک تیمور - لسته (تیمور شرقی سابق) مربوط به میدان سان‌رایز و تروبادور در ۶ مارس ۲۰۰۳ امضا شد. این قرارداد یک چارچوب جامع برای استحصال مشترک از میدان مذکور ایجاد کرد.

این قرارداد طبق تعهد ایجاد شده بین دو کشور براساس پیمان دریای تیمور ایجاد شد؛ براساس بخش (الف) ماده (۹) پیمان دریای تیمور، «هر مخزنی که از مرزهای تعیین شده قرارداد توسعه مشترک عبور کند، مدیریت و توسعه آن به‌صورت یکپارچه انجام می‌شود». بخش (ب) ماده (۹) بیان می‌کند که طرفین باید «در اسرع وقت و با حسن‌نیت، برای رسیدن به توافق، به صورتی که استحصال از مخزن به‌صورت بهینه و با رعایت انصاف صورت بگیرد».

قرارداد بین‌المللی یکپارچه‌سازی مسائلی همانند مدیریت منطقه یکپارچه شده، استقرار نظام حق کمیسیون برای تسهیل اجرای این قرارداد، قوانین مورد استفاده، مالیات و تسهیم تولید، تصویب برنامه توسعه،

1. Sunrise and Troubadour Agreement

2. Greater Sunrise Fields

3. Hydrocarbons Technology, "Sunrise Gas Field," Hydrocarbons Technology, Available: <https://www.hydrocarbons-technology.com/projects/sunrise-gas-field/>.



خلع ید، پایانه‌های فروش، ارزش‌گذاری نفت و گاز حاصل از میدان، اشتغال و آموزش، امنیت و بهداشت حرفه‌ای، حمایت از محیط زیست، گمرک، تدابیر امنیتی و سازوکارهای حل اختلاف را دربرگرفت. اگرچه استرالیا قلمرو قدرت خود را در منطقه شرقی قرارداد توسعه مشترک اعمال می‌کرد، این قلمرو توسط قرارداد تحدید مرزی با اندونزی مشخص شده بود که تیمور شرقی در آن حضور نداشت. بنابراین قرارداد بین‌المللی یکپارچه‌سازی بدون پیش‌داوری در مورد ادعاهای دریایی دو کشور و مذاکرات آنها برای تحدید مرزی بود اما به‌صورت مشخص، برخی عدم‌توافقات، با توجه به همپوشانی ادعاهای دریایی طرفین وجود داشت. موضوعی که باعث شد تیمور شرقی تا سال‌های اخیر قرارداد بین‌المللی یکپارچه‌سازی را تصویب نکند.

### ۳-۵. سایر موارد یکپارچه‌سازی دریایی

علاوه بر ۶ مدل قرارداد یکپارچه‌سازی (موارد دریای شمال و قرارداد بین‌المللی یکپارچه‌سازی) که در بالا به آنها اشاره شد، سایر آنها شامل قراردادهای میدان‌های فارلی بارام بین مالزی و برونئی، اکانگا/زافیرو بین نیجریه و گینه استوایی و نیز یک تفاهم‌نامه همکاری میان ونزوئلا و ترینیداد و توباگو برای یکپارچه‌سازی در میادین مشترک در سال ۲۰۰۳ است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود اکثر میدان‌هایی که براساس قرارداد یکپارچه‌سازی به‌صورت مشترک توسعه داده شده‌اند در نوع خود از میدان‌های بزرگ کشورها محسوب می‌شوند به‌طور مثال براساس گزارش وزارت نفت و انرژی نروژ، میدان استتفیورد از نظر حجم تولید تاکنون، در بین ۱۰۶ میدان این کشور، سومین میدان است و میدان مشترک فریگ، رتبه بیستم را دارد البته در رتبه‌بندی میدان فریگ سهم تولید انگلیس در نظر گرفته نشده است که در غیر این صورت رتبه این میدان بالاتر نیز خواهد بود.<sup>۱</sup>

در حقیقت قراردادهای یکپارچه‌سازی میدان‌های مشترک در موارد اجرایی دنیا، یکپارچه‌سازی فارغ از اندازه و حجم میدان انجام می‌شود و اگر بنا به ایجاد قرارداد یکپارچه‌سازی باشد، همه میادین مشترک دو کشور الزاماً برای این منظور انتخاب می‌شوند، چون انتخاب یک میدان از بین چندین میدان مشترک بین دو کشور، اختلاف برانگیز است، زیرا منافع کشورها در میدان‌های مختلف، متفاوت است و به توافق رسیدن بر سر انتخاب یک میدان مشخص برای توسعه مشترک عملاً غیرممکن است. در واقع قاعده «pick and choose» در انتخاب یک میدان برای یکپارچه‌سازی معنا ندارد چون گزینه بهتری که دو کشور باهم بر روی آن توافق داشته باشند وجود ندارد.

1. Norskpipeline, "FIELDS," Norskpipeline, 2019. Available: <https://www.norskpipeline.no/en/facts/field/>.

## ۶. قرارداد پیش یکپارچه‌سازی

به دلیل پیچیدگی بالای قرارداد یکپارچه‌سازی و زمان‌بر بودن مذاکرات برای رسیدن به یک توافق کامل یکپارچه‌سازی، طرفین مذاکره ممکن است تصمیم بگیرند ابتدا یک قرارداد پیش یکپارچه‌سازی امضا کنند تا شرایطی فراهم آورند که کارهای مقدماتی یکپارچه‌سازی انجام شود. این کارهای مقدماتی غالباً شامل مطالعات فنی مشترک برای تعیین محدوده میدان یا مخزن مشترک و میزان نفت و گاز موجود در آن بوده و ممکن است حفر چاه با هزینه مشترک را نیز دربرگیرد. گاهی در قراردادهای پیش یکپارچه‌سازی، یک کارگزار واحد و یا یکی از طرفین برای انجام این کارها تعیین می‌شود و کلیه هزینه‌هایی که توسط آن صرف می‌شود براساس یک توافق موقت بین تمام طرفین تقسیم می‌شود. این توافق موقت برای تقسیم هزینه‌ها بعداً در قرارداد یکپارچه‌سازی اصلاح خواهد شد. محدوده قرارداد پیش یکپارچه‌سازی استاندارد خاصی ندارد.

در ادامه ساختار اصلی یک قرارداد پیش یکپارچه‌سازی آورده شده است. مسائل اصلی در یک قرارداد پیش یکپارچه‌سازی:

- بازپرداخت هزینه جمع‌آوری اطلاعات خاص
- حفر چاه‌هایی با هزینه مشترک برای مشخص کردن ابعاد میدان
- تبادل اطلاعات
- اصولی که منافع مشترک بر مبنای آنها محاسبه می‌شود
- پاداش هر فاز برای شرکت در یکپارچه‌سازی
- اصول قرارداد یکپارچه‌سازی
- اصولی که فعالیت‌های پایین‌دستی را کنترل می‌کنند
- حفاری‌های مورد نیاز بعدی
- محرمانگی و حل اختلاف

قراردادهای پیش یکپارچه‌سازی با اجرای قرارداد یکپارچه‌سازی توسط طرفین، خاتمه می‌یابند. در اصل قرارداد پیش یکپارچه‌سازی برای کاهش ریسک کشورها در مذاکرات یکپارچه‌سازی میدان مشترک انعقاد می‌شود. به دلیل اینکه مذاکرات یکپارچه‌سازی میدان مانند تعیین سهم کشورها، به مسائل فنی آن به شدت وابسته است، وجود اطلاعات فنی و تکمیلی و مهم‌تر از آن وجود تقارن اطلاعاتی در مورد میدان بین کشورهای طرف مقابل ضروری است به همین دلیل کشورها با امضای این قرارداد نسبت به تبادل اطلاعات میدان، اطلاع‌رسانی فعالیت‌های طرفین در میدان به یکدیگر، تعیین برنامه‌های آینده و غیره اقدام می‌کنند.



## ۷. انواع مدل‌های اجرایی قرارداد یکپارچه‌سازی

برای اجرای قرارداد و نحوه تعامل با پیمانکاران، چهار مدل وجود دارد:

- **کارفرمایی جداگانه، پیمانکار واحد با عدم‌هماهنگی دو کشور؛** در این مدل یک شرکت خاص تعیین می‌شود که هر دو کشور با مدل قراردادی خود با آن قرارداد امضا می‌کنند. در این حالت سهم کشورها به این صورت است که هر کشور مالک نفت و گازی است که از محدوده مرزی آن استخراج شود.
  - **کارفرمایی جداگانه، پیمانکار واحد، هماهنگی بین کارفرمایان؛** در این مدل نیز یک شرکت خاص برای انجام عملیات در کل میدان انتخاب می‌شود ولی در این مدل هر دو کشور یک نوع قرارداد با پیمانکار انعقاد می‌کنند.
  - **تشکیل یک نهاد مشترک؛** دو کشور در این مدل توافق می‌کنند یک نهاد مشترک تأسیس و اختیارات مربوط به توسعه میدان اعم از انتخاب پیمانکاران، امضای قرارداد و غیره به او واگذار شود. در این مدل سهم هریک از کشورها از سود میدان مشخص است.
  - **سپردن به یکی از کشورها؛** در این روش، یکی از کشورها برای انجام عملیات توسعه میدان انتخاب می‌شود و سهم هریک بعد از کسر هزینه‌های میدان و سود سرمایه‌گذاری کشور توسعه‌دهنده، به نسبت سهمی که دارند پرداخت می‌شود.
- مبتنی بر یکپارچه‌سازی، همه صاحبان منابع با عملکرد مشترک برای افزایش بازیافت موافقت می‌کنند. رضایت تمامی صاحبان منابع یکی از الزامات انعقاد چنین توافقی است.<sup>۱</sup> در قراردادهای یکپارچه‌سازی حق حاکمیتی و قضایی کشورها در منطقه مورد نظر حفظ می‌شود و کشورها براساس اولویت‌ها، الزامات و محدودیت‌هایی که دارند می‌توانند مدل اجرایی مناسب قرارداد یکپارچه‌سازی را انتخاب و براساس آن فعالیت‌های مربوط به میدان را انجام دهند.
- در اکثر قراردادهای اجرایی در دنیا، نوع قراردادهای بالادستی نفت که با پیمانکار امضا می‌شود در قرارداد یکپارچه‌سازی آورده می‌شود و چارچوب کلی آن مانند مالیات شرکت نفتی، کارمزدهای آن و غیره نیز تعیین می‌شود. از نظر حقوقی قرارداد یکپارچه‌سازی برای اجرا باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد که در این صورت اگر چارچوب کلی قراردادهای بالادستی مذکور در قرارداد یکپارچه‌سازی نیز مورد قبول مجلس باشد دیگر انعقاد قرارداد با پیمانکار نفتی به صورت موردی به مصوبه‌های مجلس نیازی نخواهد داشت.

۱. ز. کیمیایی نالکباشری، ق. د. سید محمد مهدی و س. محسنی، همان.

## ۸. محدودیت‌های به‌کارگیری قراردادهای یکپارچه‌سازی

یکپارچه‌سازی میدان مشترک، به معنای موافقت با توسعه مشترک برای افزایش ضریب بازیافت میدان بوده که مستلزم رضایت تمامی مالکان میدان است. محقق شدن توافقی که مورد رضایت همه طرف‌ها باشد خود یکی از اساسی‌ترین مشکلات در ایجاد و انعقاد یک قرارداد یکپارچه‌سازی است. جلب رضایت طرفین الزاماً به مذاکرات دقیقی نیازمند است که امکان دارد چندین سال طول بکشد. در توسعه مشترک میادین، همه طرف‌ها مسائل و منافع خاص خود را دارند که باید در قرارداد یکپارچه‌سازی همه آنها دیده شود که خود این به پیچیدگی مذاکرات می‌افزاید.

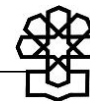
به‌دلیل اینکه تعیین اکثر بندهای قرارداد یکپارچه‌سازی به مسائل فنی میدان بستگی دارد و این اطلاعات فنی برای طرفین به‌صورت مساوی وجود ندارد و به‌اصطلاح بین طرفین مذاکره‌کننده، عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد مذاکرات بر سر تعیین عواید و غیره پیچیده‌تر می‌شود و این پیچیدگی‌ها یکی از تنگنایان انعقاد چنین قراردادهایی هستند.

یکی دیگر از محدودیت‌ها برای به سرانجام رسیدن یکپارچه‌سازی میادین مشترک، عدم اراده سیاسی کشورهاست. امکان دارد هریک از کشورها به‌دلیل مسائل مختلفی مانند، شرایط سیاسی و امنیتی عراق، عدم اجماع نهادهای ذی‌نفع در کشورها، شرایط تولیدی هریک از کشورها در میادین مختلف و غیره تمایلی برای یکپارچه‌سازی میادین مشترک نداشته باشند.

## نتیجه‌گیری

در بحث میادین مشترک، اگر مبنا بر بهبود ضریب بازیافت و کاهش هزینه‌های توسعه میادین و در کل افزایش صرفه اقتصادی میدان باشد چاره‌ای جز توسعه مشترک میدان و یکپارچه‌سازی آن نیست. درحقیقت فلسفه توسعه چنین قراردادهایی نیز بر همین اصل استوار است. البته که قراردادهای یکپارچه‌سازی به‌جز منافع اقتصادی، منابع امنیتی و سیاسی نیز به همراه دارد که اصلی‌ترین نفع در این زمینه‌ها، کاهش تنش‌های موجود و احتمالی آتی است. به‌طور کلی روند تنش‌های بین دو کشور در سایه قراردادهای یکپارچه‌سازی نسبت به قبل کاهش یافته است و طرح مسئله افزایش تنش بعد از انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی کلاً منطبق این قراردادها را زیر سؤال می‌برد. حال آنکه این قراردادها مانند دیگر قراردادهای معمول، بخش حل اختلافات دارد که در صورت ایجاد اختلاف‌هایی، سازوکار آن از قبل پیش‌بینی شده است.

با وجود رویه‌های قانونی برای همکاری تحت قوانین عرفی بین‌المللی (که یکپارچه‌سازی و توسعه همکارانه از جمله دستاوردهای آنها هستند)، قوانین بین‌المللی کشورها را در صورت عدم تمایل، مجبور



به قبول ایده یکپارچه‌سازی نمی‌کنند. با اینکه در قوانین بین‌المللی الزامی برای همکاری در میداین مشترک برای کشورها وجود ندارد ولی به‌طور کلی، دلایل و انگیزه‌های کافی برای همکاری در توسعه میداین مشترک وجود دارد.

موارد متعددی از اجرای قرارداد یکپارچه‌سازی بین کشورها در جامعه بین‌المللی وجود دارد دو سهم را نشان می‌دهد: از همکاری کشورهای انگلیس و نروژ تا همکاری کشورهای همچون (نیجریه و گینه استوایی). این موارد دو موضوع را نشان می‌دهد:

الف) توجه به کشورهای اجراکننده این قراردادها، نشان می‌دهند که توافق بر همکاری در میداین هیدروکربوری مشترک منحصر به کشورهای با روابط سیاست خارجی بالا نیست و هر کشوری با سطوح مختلف بلوغ سیاسی قادر به همکاری در این زمینه است.

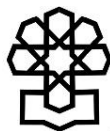
ب) توجه به میدان‌هایی که یکپارچه‌سازی شدند نشان می‌دهد همکاری در میداین مشترک به حجم و اندازه و نوع میدان بستگی ندارد چرا که در موارد اجرایی علاوه بر اینکه میداین بزرگی مانند میدان استتفورد (سومین میدان بزرگ نروژ) یکپارچه‌سازی شده است هر دو میداین گازی و نفتی نیز با همکاری، توسعه داده شدند. در نتیجه همکاری در میداین مشترک به کشورهای همکاری‌کننده و نوع میدان‌ها بستگی ندارد و اگر اراده سیاسی برای انجام این نوع همکاری‌ها وجود داشته باشد به آسانی قابل اجرا هستند.

قراردادهای یکپارچه‌سازی در مدل‌های مختلفی قابل اجرا هستند که سطح همکاری کشورها در توسعه مشترک میداین در مدل‌های مختلف، متفاوت است. کشورها بسته به اولویت‌ها، الزامات، قوانین داخلی و محدودیت‌ها می‌توانند براساس مدل اجرایی مناسب با یکدیگر همکاری کنند به صورتی که حتی از هیچ‌یک از کشورها ضایع نشود و نیازی به فداکاری هیچ‌یک از کشورها نباشد. حال آنکه در همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها، «فداکاری کشورها» معنی و موضوعیت ندارد زیرا کشورها براساس منافع ملی خود همکاری می‌کنند. قابل ذکر است که در همه نوع این قراردادها حق حاکمیتی و قضایی کشورها در منطقه یکپارچه‌سازی شده محفوظ باقی می‌ماند.

با توجه به مطالعه تطبیقی انجام شده بین قراردادهای اجرایی در دنیا، موارد مهمی که باید در انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی مورد توجه قرار گیرند عبارتند از: انتخاب مناسب‌ترین مدل اجرایی قرارداد، چگونگی تعیین سهم کشورها از عواید حاصل از همکاری، سازوکار باز تعیین سهم‌ها، چگونگی تعیین گستردگی جغرافیایی میدان مشترک و انتخاب حامل‌های انرژی برای یکپارچه‌سازی.

## منابع و مأخذ

۱. جواد کاشانی، منابع مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹.
۲. زهرا کیمیایی نالکیاشری، سیدمحمد مهدی قبولی درفشان و سعید محسنی، «قرارداد یکپارچه‌سازی درخصوص منابع مشترک نفت و گاز (مفهوم و ماهیت)»، ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۴۱.
۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «عراق و کویت مطالعه و بهره‌برداری از میادین نفتی مشترک را کلید زدند»، ۱۳۹۸ / ۰۵ / ۹. Available: [www.irna.ir/news/83419833](http://www.irna.ir/news/83419833).
4. J. Wilkinson "Introduction to Oil and Gas Joint Ventures", number 51, 1997.
5. F. Heritier, P. Lossel, E. Wathne, "Frigg Field—Large Submarine-Fan Trap in Lower Eocene Rocks of the Viking Graben, North Sea, "Giant Oil and Gas Fields of the Decade: 1968–1978", American Association of Petroleum Geologists, 1980.
6. G. Gordon, J. Paterson, E. Usenmez, Oil and Gas Law: Current Practice and Emerging Trends, Dundee: Dundee University Press, 2011.
7. Hydrocarbons technology "Sunrise Gas Field", Hydrocarbons technology, Available: <https://www.hydrocarbons-technology.com/projects/sunrise-gas-field/>
8. Offshore Technology "Statfjord Field – a Timeline", Offshore Technology, Available: <https://www.offshore-technology.com/projects/statfjord-field-a-timeline/>
9. Offshore Technology "Frigg Field", Offshore Technology, Available: <https://www.offshore-technology.com/projects/frigg-field/>
10. Norskipetroleum "FIELDS", Norskipetroleum, 2019. Available: <https://www.norskipetroleum.no/en/facts/field/>
11. Available: <http://www.petrolemskartet.no> /August 2016.
12. J. Lowe, O. Anderson, E. Smith, D. Pierce, C. Kulander و M. Ehrman, Cases and Materials on Oil and Gas Law, New York: West Academic Publishing, 2018.
13. A. Anozie, Unitization of Contract Areas, Dundee: university of Dundee, 2009.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۸۹۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: همکاری ایران و عراق در بهره‌برداری از میادین مشترک بین دو کشور (بخش اول)  
۱. یکپارچه‌سازی راهکار برون‌رفت از بازی با حاصل جمع صفر در میادین مشترک هیدروکربوری

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه انرژی)

مدیر مطالعه: مهدخت متین

تهیه و تدوین کنندگان: نیما شمس‌اپور، سجاد باقرپور

اظهار نظر کننده: ایرج مهرآزما

ناظران علمی: حسین افشین، علی‌اصغر اژدری، فریدون اسعدی

واژه‌های کلیدی:

۱. میادین مشترک

۲. قرارداد نفتی

۳. یکپارچه‌سازی

۴. عراق



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰